

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال شانزدهم، شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

آتشکده اروخش (بنای امامزاده محمدی) شاهدی دیگر از شهر باستانی الشتر*

مهدی حیدری (نویسنده مسئول)^۱

دکتر عباس مترجم^۲

چکیده

الشتر نام بخش مرکزی دشتی کوچک است که در شمال لرستان جای دارد. چند دهه پیش در ناحیه شمالی دشت الشتر بنایی موسوم به امامزاده محمدی، پس از قرن‌ها مدفون بودن در زیر خاک، شناسایی شد. امامزاده محمدی نامی جدید است که کمتر از نیم سده پیش، از سوی اهالی الشتر به این بنا داده شد. این نام‌گذاری به سبب یافتن سنگ قبریست که از داخل این بنا به دست آمد. براساس یک رسم دیرینه، ایرانیان معمولاً این گونه بناها که هویت صاحب آن نامعلوم بوده، «امامزاده» نام می‌نهادند. بررسی‌های صورت گرفته از بنای امامزاده محمدی، نشان داد که این بنا احتمالاً متعلق به دوره سلجوقیان بوده است. با تأمل بیشتر در این بنا، طرح اولیه آن که نوعی چهارتاقی از دوران پیش از اسلام را نشان می‌دهد، مشخص گردید. بر این اساس، این بنا دو دوره آبادانی از دوران پیش و پس از اسلام را نشان می‌دهد. از سویی، گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی در متون اسلامی، از شهری آباد با نام «الیشتر» و آتشکده «اروخش» در این ناحیه یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد، بین بنای امامزاده محمدی و آتشکده اروخش ارتباطی وجود داشته باشد. مطالعه حول این موضوعات وجه همت نگارندگان در این پژوهش قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: الشتر، بنای امامزاده محمدی، آتشکده اروخش، جغرافیای تاریخی

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴
mehdiheydari448@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۰۴
نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان

۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

۱. مقدمه

در جای جای پهنه سرزمین ایران امروزی، بناهای متعددی وجود دارد که از ماهیت و کارکردهای اولیه آنها بی اطلاع هستیم. بناهای آرامگاهی از جمله پررمز و رازترین بناها بشمار می آیند. بسیاری از این دست بناها به سبب عدم وجود کتیبه و یا شجره نامه ای از متوفی آن، ناشناخته باقی مانده اند. به نظر می رسد، که صاحبان این گونه آرامگاهها شخصیت های برجسته در زمان خود بوده اند؛ اما اینکه صاحبان قبور از بزرگان دین یا دولت بوده اند، پاسخ روشن و دقیقی در پی نخواهد داشت. با این حال، از آنجا که ایرانیان به اهل بیت ارادتی دیرینه دارند، این گونه بناها را غالباً امامزاده نامیده اند. از سویی دیگر، پیشینه شکل گیری بناهای آرامگاهی در سرزمین های اسلامی، به ویژه در ایران، همواره از سوی محققین مورد بحث بوده است.

یکی از نظریاتی که در شکل گیری بناهای آرامگاهی مطرح است، در مورد تکامل و تغییر ماهیت بناهای چهارتاقی دوره ساسانی است. این ایده به نظر درست می آید؛ تاکنون بناهای متعددی از دوره اسلامی در ایران شناسایی شده که بنای اولیه آنها مربوط به پیش از اسلام و به صورت چهارتاقی بوده است. در این ارتباط، در این پژوهش بنای امامزاده محمدی که به نظر می رسد بنای اولیه آن چهارتاقی از دوره ساسانی بوده، پس از شناسایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. شرح و بیان مسئله

همانطور که گفته شد، به سبب ارادتی که ایرانیان به اهل بیت دارند، در جای جای ایران بناهای متعددی وجود دارد که با نام امامزاده شهرت یافته اند. در بسیاری از این امامزاده ها هویت واقعی صاحب قبور نامشخص است؛ یکی از این بناها، بنای موسوم به امامزاده محمدی است. این بنا در غرب روستای امیر و یک کیلومتری شمال شهر الشتر جای گرفته است. پژوهش در مورد شاخصه های معماری و سایر یافته های باستان شناسی این بنا، می تواند ادوار ساخت و مرمت این بنا را نشان دهد. با دقت در این بنا می توان دو دوره ساخت مربوط به دوران پیش از اسلام (احتمالاً دوره ساسانی) و پس از اسلام (دوره سلجوقی) را تشخیص داد. بنای دوره پیش از اسلام طرح یک چهارتاقی کوچک را نشان می دهد و بنای دوره سلجوقی با اضافه نمودن دیوارهایی در اطراف بنای اولیه، مقبره ای چهار گوش گنبدداری را شکل داده است.

از سویی، وقتی که منابع و کتب بر جای مانده از مورخان و جغرافی نگاران مسلمان در ارتباط با لرستان و جبال را مطالعه می کنیم، در اغلب موارد به نام الشتر نیز بر می خوریم. در این منابع از الشتر در اشکال گوناگون «لاشتر»، «لیشتر»، «الشدر»، «الیشتر»، «اشتر»، «یشتر» و

... یاد شده است. وجود این مطالب، از اهمیت الشتر در گذشته‌های دور نشانی دارد. در غالب منابع از الشتر با عنوان شهر یاد شده است. متأسفانه، تاکنون به جهت عدم انجام پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در الشتر، از وجود و موقعیت شهر باستانی الشتر در پیش و پس از اسلام، کم‌ترین اطلاعی داریم. از سویی دیگر، در منابع اسلامی از جمله در *نزهة القلوب* حمدالله مستوفی از وجود آتشکده «اروخش» نام برده شده است. به همان دلایل فوق، از وجود این آتشکده در الشتر نیز اطلاع دقیقی نداریم.

بر این اساس، نگارندگان سؤالات زیر را حول این بنا مطرح نموده‌اند و از طریق شواهد باستان‌شناختی سعی در تحلیل آن دارند:

بنای امامزاده محمدی متعلق به چه دوره‌ای است؟

بنای اولیه امامزاده محمدی به چه صورتی بوده است؟

آیا می‌توان بین بنای اولیه آن و آتشکده اروخش که در منابع از آن یاد شده، ارتباطی برقرار نمود؟

بنای امامزاده محمدی چگونه می‌تواند در تحلیل مسائل حول جغرافیای تاریخی الشتر مؤثر واقع گردد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

در شهرستان الشتر پیش از همه، اورل استاین به مطالعه و بررسی محوطه‌های باستانی آن پرداخت. در طی بررسی ایشان برخی از محوطه‌های عصر مفرغ الشتر شناسایی گردید (Stin:1940.280-300). کلر گاف، در طی بررسی‌های باستان‌شناسی که در شمال لرستان در طی سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷م. داشت، از الشتر نیز دیدن نمود (Goff:1968). لویی واندنبرگ به بررسی محوطه‌های باستانی دشت الشتر پرداخت که برخی از محوطه‌های عصر مفرغ دشت الشتر از جمله تپه گریران، تپه بتکی، چغابال و چغاکبود را معرفی نمود (واندنبرگ: ۱۳۷۹، ۹۵).

در سال ۱۳۴۸ ه.ش حمید ایزدپناه با هدف معرفی آثار باستانی لرستان، تعداد قابل توجهی از آثار استان لرستان و شهرستان الشتر را شناسایی کرد و بعدها تحت عنوان کتابی با مضمون *آثار باستانی و تاریخی لرستان* به چاپ رساند. ایزدپناه در این کتاب برای نخستین بار از بنای امامزاده محمدی نام می‌برد (ایزدپناه: ۱۳۷۶). در سال ۱۳۷۶ ه.ش علی سجادی از طرف اداره میراث فرهنگی استان لرستان مأموریت مطالعه و بررسی شهرستان الشتر را یافت. گزارش کار ایشان هم اکنون در اداره میراث فرهنگی استان لرستان نگهداری می‌شود (سجادی: ۱۳۷۶). همچنین در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ ه.ش داوود داوودی از

طرف اداره میراث فرهنگی استان لرستان در طی دو فصل، به مطالعه آثار باستانی و تاریخی شهرستان الشتر پرداخت. بنای امامزاده محمدی در این فصل از بررسی الشتر ثبت و مستندسازی شد (داوودی: ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶).

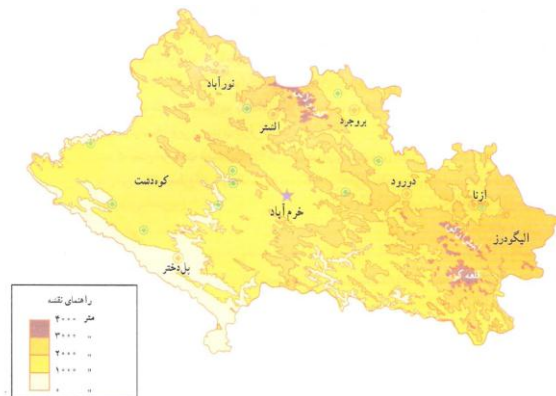
۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

همان‌طور که گفته شد، به نظر می‌رسد بنای امامزاده محمدی دو دوره آبادانی را پشت سر نهاده باشد. تحلیل شاخصه‌های معماری و یافته‌های باستان‌شناختی هر کدام از این دو دوره در این بنا می‌تواند پرده از ادوار ساخت و مرمت این بنا بردارد. روشن شدن این مطلب از دو جهت دارای اهمیت است: نخست، ما می‌توانیم به شناختی دقیق‌تر از بنای امامزاده محمدی دست یابیم. در گام دوم، اگر بتوانیم بپذیریم که بنای اولیه امامزاده محمدی به صورت چهارتاقی از دوران پیش از اسلام بوده، می‌توانیم در تحلیل‌های مربوط به جغرافیای تاریخی الشتر و جایگاه آتشکده اروخش یک گام به جلو برداریم؛ بنابراین، این پژوهش می‌تواند آغاز خوبی برای مطالعات حول جغرافیای تاریخی الشتر باشد.

۲. بحث

۲-۱. موقعیت، وسعت و حدود جغرافیایی الشتر

شهرستان سلسله در شمال استان لرستان و در ۵۰ کیلومتری شمال شهر خرم‌آباد قرار دارد. این شهرستان از شمال به رشته کوه گرین (گری) که از کوه‌های مرتفع زاگرس مرکزی محسوب می‌شود و سراسر شمال لرستان را در بر گرفته و در حد فاصل بین شهرهای نهاوند و الشتر قرار گرفته‌است، محدود می‌گردد. از سمت جنوب و شرق به شهرستان خرم‌آباد، از شمال شرقی به شهرستان بروجرد و از غرب به شهرستان نورآباد منتهی می‌گردد. دشت الشتر یک دشت کم وسعت است که بخش مرکزی شهرستان سلسله را شامل می‌شود (نقشه ۱). شهرستان سلسله بر اساس آخرین تقسیمات کشوری ۱۷۸۸ کیلومتر مربع وسعت دارد که در بین ۱۰ شهرستان استان، از نظر وسعت رتبه ششم را دارد. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و فیروزآباد است و جمعاً شش دهستان دارد که چهار دهستان دوآب، قلعه مظفری، هنام و یوسفوند در بخش مرکزی و دو دهستان فیروزآباد و قلابی در بخش فیروزآباد قرار دارند (آذری فر، ۱۳۸۸: ۲۲).



نقشه ۱: موقعیت دشت الشتر در استان لرستان (نگارندگان ۱۳۹۶)

۲-۲- مختصری از جغرافیای تاریخی و وجه تسمیه الشتر

در طول هزاره دوم و اوایل هزاره اول شمال لرستان مسکن کاسیان بوده است. به نظر می‌رسد، برخی از اسامی از جمله رودخانه کشکان در الشتر از نام کاسیان گرفته شده باشد. در دوره آشور نو دره‌های جاده خراسان بین کردستان و لرستان برخلاف مانایی و الیبی سازمان سیاسی یکپارچه‌ای نداشته است. در عوض، قلمروهای کوچک بسیاری یافت شده که هر یک تحت کنترل آنچه آشوریان «شهردار» (بل آلی) می‌خوانند، است (لوی، ۱۳۸۲: ۴۵۱). به نظر می‌رسد منطقه الشتر تا ظهور اسلام در ایران، بخشی از امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی بوده است.

در منابع اسلامی در مورد الشتر مطالب زیادی نوشته شده است. اولین کتاب *حدودالعالم من المشرق الی المشرق ال مغرب* است که آن را «لیشر» ثبت نموده و لیشر را منطقه‌ای بند خیز توصیف کرده است (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲: ۱۴۱). یاقوت حموی در «معجم البلدان» (حموی، ۱۹۷۷: ۱۳) و اصطخری در «مسالك و ممالک» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۳) الشتر را به صورت «لاشر» نوشته‌اند. گاهی اوقات مکان الشتر اشتباه ثبت شده است؛ یاقوت حموی الشتر را میان همدان و نهاوند ذکر کرده است (حموی، ۱۹۷۷: ۱۳). حمدالله مستوفی در مقاله *سوم نزهة القلوب* در باب دهم در ذکر کردستان از «الیشر» نام می‌برد: «الیشر شهری وسط است و جای نزه و درو آتشخانه اروخس نام بوده است» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۰۷).

علاوه بر موارد فوق ابن حوقل در *صورة الارض* «لاشر» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲)، ظهیرالدین نیشابوری در *سلجوقنامه* «اشتر» (نیشابوری، ۱۳۹۲: ۵۵)، راوندی در *راحة الصدور* «لیشر» (راوندی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)، اسکندر بیک ترکمان در *عالم آرای عباسی* «الشتر»

(ترکمان، ۱۳۱۷: ۸۱-۸۶) و ظل السلطان در سرگذشت مسعودی الشتر را «الشدر» ذکر کرده‌اند (ظل السلطان، ۱۳۶۸: ۶۰۶).

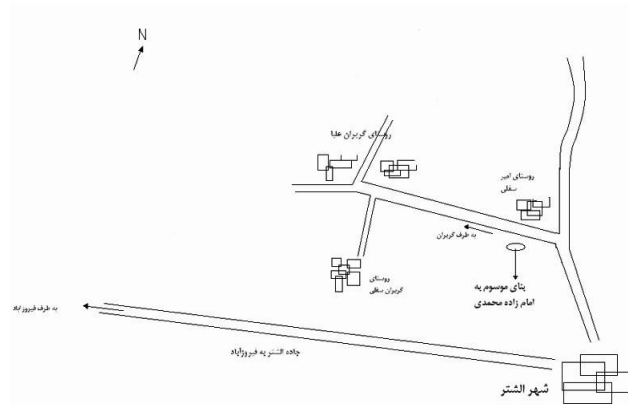
در باب وجه تسمیه الشتر مطلب دقیقی وجود ندارد. کیوان پهلوان بعد از توضیحاتی مفصل در باب «الاشت» در استان مازندران (زادگاه رضاشاه پهلوی)، به ارتباط بین الاشت و الشتر می‌پردازد. به اعتقاد وی ریشه مردمان ساکن در الاشت به الشتر برمی‌گردد. وی خاک، آب و آتش را که برای الاشتی‌ها مقدس است، فصل مشترک بین اعتقادات باستانی مردم الاشت و الشتر می‌داند. کیهان پهلوان به نقل از ایرج افشار سیستانی نقل می‌کند:

وجه مشترک میان «الیشتر» و «شتر» به دلیل رخنه دین زرتشت وجود آتشکده در این محل به چشم می‌خورد... در کتیبه آنوبانی نی پادشاه لولوبی به واژه ایشتر یا الهه ایشتر از خدایان لولوبی یا لولوها که آنها را نیاکان لرها نیز شمرده‌اند، برمی‌خوریم که با واژه الیشتر یا الشتر وجه اشتراک دارد، ولی نمی‌توان واژه الشتر را از همان واژه ایشتر و اشتر بابلی و عشرته سریانی و استر، ستار و ستاره ایرانی دانست که ایرانیان باستان به دلیل دلبستگی به ملیت و نژاد خود، این واژه را گرفته‌اند و با گذشت زمان ایشتر به «اشتر» تبدیل شده‌است. (پهلوان، ۱۳۸۵: ۵۲-۲۷)

حمید ایزدپناه در این ارتباط نقل می‌کند: «شادروان استاد پورداوود عقیده داشت که الیشتر باید مرکز اصلی همان سرزمینی باشد که داریوش در کتیبه‌های خود از آن به نام نیسا نام برده‌است؛ سرزمینی که اسبان و مردان خوب دارد، به‌ویژه آنکه در الیشتر آتشکده‌ای قدیمی موسوم به «اروخش» یا «ارخش» وجود داشته است (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۵۷).

۲-۴. بنای موسوم به امامزاده محمدی

بنای موسوم به امامزاده محمدی در یک کیلومتری شمال غربی شهر فعلی الشتر و در ۲۰۰ متری جنوب غربی روستای امیر سفلی قرار گرفته است (نقشه ۲). از نظر وضعیت ظاهری، این اثر بنایی است که پایین‌تر از سطح زمین که تاق گنبد مقداری از سطح زمین بالاتر قرار گرفته است. روی تاق را خاک گرفته که از دور شبیه به تپه‌ای کوچک است (شکل ۱).



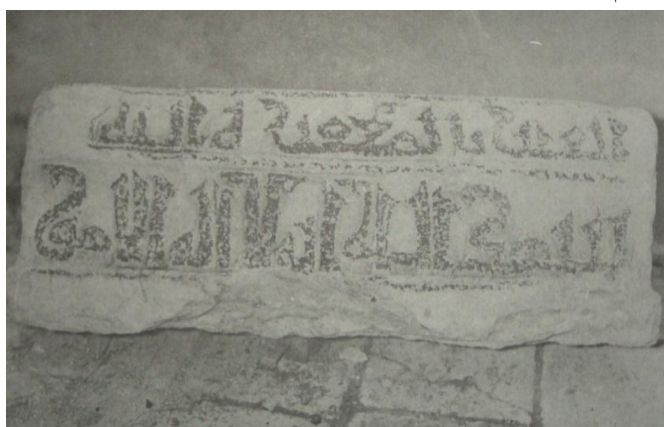
نقشه ۲، کروکی محل قرارگیری بنای امامزاده محمدی (نگارندگان ۱۳۹۶)



شکل ۱: بنای امامزاده محمدی (نگارندگان ۱۳۹۵)

«تا سال‌ها پیش کسی خیال نمی‌کرد که این تپه کوچک، تاق گنبدی باشد. هنگامی که اطراف آن را شخم می‌زدند، تصادفا حفره‌ای پیدا شد که اهالی با خاکبرداری آن قسمت، در مقبره را یافتند و قسمتی از آن از زیر خاک نمایان شد. دریغا که پس از مدتی عده‌ای غارتگر، به دنبال یافتن گنج و به طمع دست‌یافتن به ثروت، این قبر را شبانه شکافتند و استخوان‌های او را بیرون ریختند. در میان آن [بنای امامزاده محمدی]، قبری بوده که شبانه افرادی آن را کنده و اسکلت مدفون را از آن بیرون ریخته‌اند. سنگ قبری منشوری شکلی

بر روی آن قرار داشته که اینک در موزه اداره کل فرهنگ و هنر لرستان نگهداری می‌شود. روی این سنگ کلماتی بوده، شکسته و از بین رفته است، ولی بر طرفین آن به خط کوفی نوشته شده: «بسم الله الرحمن الرحيم. شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكه و اولو العلم» (شکل ۲). اهالی آن را مقبره شخصی به نام «محمدی» می‌دانند و ادعا می‌کنند که بر سنگ نوشته این نام بوده است. دو طرف سنگ منشوری است» (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۲۷۳).



شکل ۲: سنگ قبر مکشوفه از بنای امامزاده محمدی (ایزد پناه، ۱۳۷۶: ۲۷۳)

این بنا به صورت مربع شکل است که هر ضلع بیرونی آن حدود ۷ متر طول دارد. ورودی بنا رو به شرق و داخل بنا به صورت صلیبی و هر ضلع داخلی آن حدود ۴/۵ متر است. بنا از دو نوع مصالح آجر و سنگ ساخته شده است. در درون هر ضلع داخلی یک تاق‌نما وجود دارد (شکل ۳). بخشی از پایه‌ها و گنبد از آجر و سایر نواحی از سنگ ساخته شده‌اند. ارتفاع بنا با توجه به اینکه در زیر سطح زمین‌های اطراف قرار گرفته، دقیقاً مشخص نیست اما با توجه به ورودی بنا، به نظر می‌رسد حدود ۴ متر کل بنا ارتفاع داشته است. گنبد این بنا بر پایه ۸ ضلعی قرار گرفته است. در ورودی بنا، دو دیواره موازی که از سنگ ساخته شده‌اند، وجود دارد که کاربرد دقیق آنها نامشخص است (شکل ۴ و ۵).

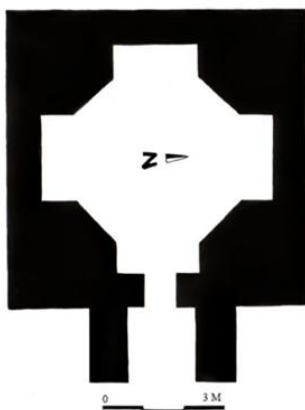


شکل ۳: نمای داخلی بنای امامزاده محمدی (نگارندگان ۱۳۹۵)

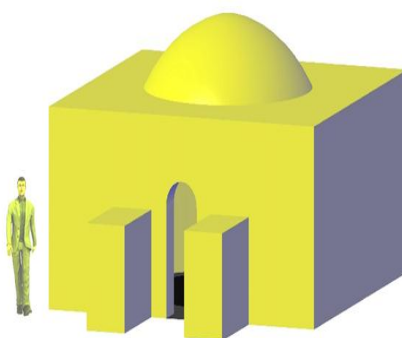
۲-۴-۱. تحلیل و مقایسه گونه شناختی

بنایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، با توجه به سنگ قبری که از آن به دست آمده، نخست باید آن را یک بنای آرامگاهی به شمار آوریم. اصولاً در تاریخ معماری آرامگاهی ایرانی، تنها دو گونه اساسی بنای آرامگاهی دیده می‌شود. این دو گونه عبارتند از: برج‌های آرامگاهی و چهارگوش‌های گنبدپوش. به نظر می‌آید که نخستین بناهای آرامگاهی ایرانی انواعی از چهارگوش‌های گنبددار بوده‌است. با این حال، در طی قرون میانه اسلامی (قرون چهارم تا ششم هجری) جای خود را از نظر محبوبیت به برج مقبرها داده‌اند و در دوره سلجوقی بیش از هر نوع دیگری از بناهای آرامگاهی، از این فرم استفاده شده است (هیلن براند، ۱۳۸۹: ۲۷۹). این مطلب هرگز بدان معنا نیست که از فرم چهارگوش گنبددار استفاده نشده‌است. بناهای متعددی متعلق به این دوره وجود دارد که به شیوه‌ای باشکوه به صورت چهارگوش گنبددار ساخته شده‌اند. آرامگاه سلطان سنجر در مرو (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۰۶)، گنبد سرخ مراغه، گنبد علویان همدان، بقعه پیرمسلم در تاجیکستان (حاتم، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۳۲) از آن دست محسوب می‌گردند. بنای امامزاده محمدی الشتر جزو بناهای آرامگاهی با فرم چهارگوش گنبدپوش محسوب می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به شواهد باستان‌شناسی برجای مانده، این بنا متعلق به دوره سلجوقی بوده باشد. اولین نکته در این زمینه، به طرح و پلان بنا بازمی‌گردد. بنای امامزاده محمدی از نظر پلان با بنای میرزبیر سیرجان (بنای از دوره آل مظفر) چه از نظر پلان و چه از نظر شکل ورودی بنا که شامل دو دیوار کوتاه ایوان‌مانند است، کاملاً وجه اشتراک دارد

(دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ۱۳۷۸: ۷۷). دو دیوار کوتاه ورودی بنا طرح ایوانی را شکل می دهد که از دوره اشکانیان نمونه هایی از آن را سراغ داریم. در دوره پس از اسلام تا دوره سلجوقی از این شیوه استفاده می گردد. رواج کامل ایوان، بخصوص بناهای چهار ایوانی، از دوره سلجوقیان است. استفاده از ایوان در بناهای آرامگاهی دوره سلجوقی کم و بیش دیده می شود. استفاده از ایوان و یا طرح مشابه ایوان در بقعه پیر تاکستان، گنبد سرخ مراغه، گنبدعلویان همدان دیده می شود (همان، ۲۶۲، ۳۲۵ و ۳۳۳). این بناها از نظر پلان و شکل ورودی با امامزاده محمدی قرابت دارند.

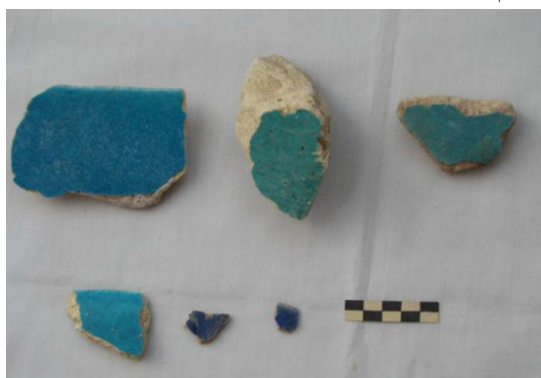


شکل ۴: پلان بنای امامزاده محمدی (نگارندگان ۱۳۹۶)



شکل ۵: نمای بنای امامزاده محمدی (نگارندگان ۱۳۹۶)

دیگر یافته‌های باستان‌شناسی امامزاده محمدی شامل کاشی‌های لعاب آبی انتساب این بنا را به دوره سلجوقی محتمل تر می‌کند (شکل ۶). می‌دانیم در دوره سلجوقی به صورت محدود از تزئین کاشی در کنار آجرکاری استفاده شده‌است. تعداد کم کاشی‌های لعاب آبی به دست آمده از این بنا گویای استفاده محدود از کاشی در این بنا است. این شیوه کار بیش از هر دوره‌ای در دوره سلجوقی رواج دارد. نمونه این نوع تزئین در گنبد سرخ مراغه به عنوان اولین بنایی از دوره سلجوقی که در آن ترکیب تزئین آجر و کاشی به کار برده شده، دیده می‌شود (حاتم، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

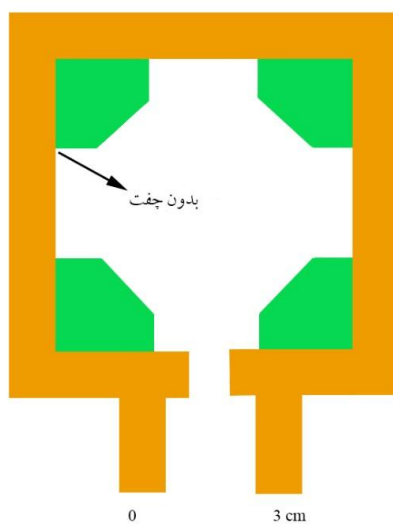


شکل ۶: قطعات کاشی و سفال لعاب‌دار امامزاده محمدی (داوودی، ۱۳۸۵: ۲۱۱)

نکته آخر در این مورد، مربوط به سنگ قبر به دست آمده از این بنا است. مقایسه سنگ قبر امامزاده محمدی با سنگ قبور دوره سلجوقی در ناحیه همدان، از نظر شیوه کار و سبک نوشته‌های آن، هم‌سانی‌هایی را نشان می‌دهد (نظری، ۱۳۸۹؛ کاتلی و هامپی، ۱۳۷۶). وجود قبرستانی از دوره سلجوقی (مربوط به خاندان برسقی‌الشر) در جوار این بنا، صحت این مطلب را تقویت می‌کند. سنگ قبر امامزاده محمدی با سنگ قبور این قبرستان نیز مشابهت دارد (داوودی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

برخی شواهد باستان‌شناختی در بنای امامزاده محمدی موجب گردیده نگارندگان بنای فعلی را بنایی ثانویه دانسته و بنای اولیه آن را نوعی چهارطاقی بدانند. مهم‌ترین شواهد در این زمینه در درجه اول مربوط به شیوه‌های معماری بنای امامزاده محمدی است. نگارندگان با دقت در شیوه دیوارچینی در این بنا، متوجه عدم چفت و بست دیوارها در ناحیه بین پایه‌های گنبد و دیوار بیرونی شدند. عدم اتصال پایه‌های تاق و دیوار بیرونی حکایت از دو

دوره ساخت بنا دارد (شکل ۷). از سویی، گنبد این بنا بر روی پایه گنبدها ساخته شده و دیوار بیرونی در ایستایی بنا تأثیری ندارد و بنا بدون آن دیوار هم پا برجا می ماند.

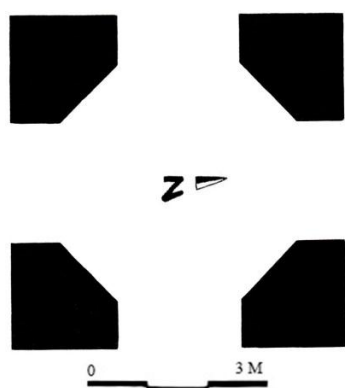


شکل ۷: عدم جفت شدن دیوارها در بنای امامزاده محمدی (نگارندگان ۱۳۹۶)

نکته دیگر، عدم رؤیت کرسی سازی کف بنا است. بناهایی از این دست عموماً دارای کرسی جهت احداث بنا بر روی آن بوده اند. کرسی بناها چون نمایان بوده بر زیبایی بنا تاثیر گذار بوده است؛ به همین سبب، معمولاً از تخته سنگ های بریده، یک اندازه و منظم جهت ساخت آن استفاده می شده است (حاتم، ۱۳۹۰: ۲۵۶).

در بنای امامزاده محمدی این کرسی سازی دیده نمی شود؛ به نظر می رسد، کرسی و یا پایه های بنا در زیر نهشته های قدیمی تر مدفون شده باشد. نکته ای که در این مورد قابل توجه است، پیدا شدن سنگ قبر از کف فعلی بناست. این نکته نشان دهنده آن است که سنگ قبر بر روی نهشته ای قدیمی تر قرار دارد. اگر بنای اولیه امامزاده محمدی با زمان دفن متوفی یکی بود، می توانستیم کرسی و یا پایه های بنا را رؤیت کنیم.

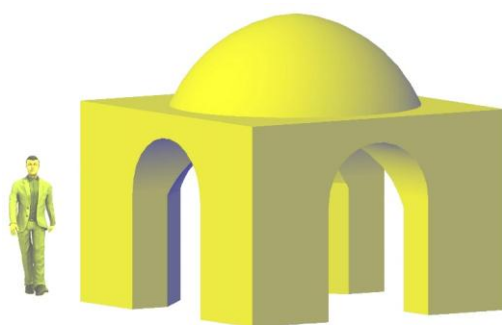
از سویی دیگر، ارتفاع کم کف بنا تا سقف است که حدود ۲/۵ متر است. این ارتفاع با توجه به اضلاع ۷ متری بنا تناسب درستی ایجاد نمی کند. احتمالاً نهشته ای حدود یک متر از کف بنای اولیه تا محل تدفین متوفی در بنای ثانویه، موجب کوتاه شدن ارتفاع بنا شده باشد. اگر طرح چهارطاقی اولیه را بازسازی کنیم خواهیم دید که تناسب ارتفاع و پهنای بنا حالت منطقی تری خواهد داشت (شکل ۱۰-۸).



شکل ۸: پلان بنای چهارتاقی (نگارندگان ۱۳۹۶)



شکل ۹: نمای بنای چهارتاقی (نگارندگان ۱۳۹۶)

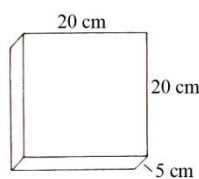


شکل ۱۰: پرسپکتیو بنای چهارتاقی (نگارندگان ۱۳۹۶)

در امامزاده محمدی جهت تبدیل مربع به دایره برای احداث گنبد، با پخ نمودن پایه‌های گنبد و پیش آمدن پایه‌ها نسبت به دیوارهای بیرونی ایجاد فضایی چلیپایی شکل، گنبد را شکل داده‌اند؛ بدین ترتیب، شکل مربع به هشت ضلعی تبدیل و ایجاد گنبد مقدور شده است. این شیوه ساخت گنبد، ابتدایی به نظر می‌رسد و با سبک و سیاق دوران اسلامی چندان قرابتی ندارد. اصولاً در ادوار اسلامی بخصوص در قرون میانی اسلامی، جهت ساخت و پوشش فضای مربع از انواع فیلیپا، سه کنج و گوشواره جهت این منظور استفاده شده است (پیرنیا، ۱۳۸۷؛ گدار و همکاران، ۱۳۶۸). تکنیک سه کنج در بناهای دوره ساسانی نیز دیده می‌شود؛ با این حال، سه کنج‌ها بسیار ساده و در واقع طرحی از آجرکاری جهت ایجاد گنبد هستند.

بنای بازسازی شده چهارتاقی با بناهای چهارتاقی دوره ساسانی شامل نیاسر (ابهام پوپ، بی تا: ۸۷)، کنارصلاح، فراشبند، دره باغ، تنگ چک چک، علی آباد (محمدی فر و امینی، ۱۳۹۴: ۱۳۳) ظهیر شیر (قطب آباد)، ده شیخ (کاظمی، ۱۳۹۳: ۵۶ و ۵۹) تشابه گونه شناختی دارد.

مصالح به کاررفته در اغلب بناهای چهارتاقی ذکر شده، سنگ است. ترکیب آجر و سنگ نیز در بناهای دوره ساسانی دیده می‌شود. در بنای امامزاده محمدی به استثنای گنبد، سایر بخش‌های بنا از سنگ‌های نتراشیده ساخته شده است. آجرهای به کاررفته در این بنا در ابعاد ۲۰×۲۰ هستند (شکل ۱۱). این نوع آجر تقریباً در همه ادوار مورد استفاده بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۳۸۱).



شکل ۱۱: طرح آجر به کاررفته در بنای امامزاده محمدی

۳. نتیجه گیری

بنابر مستندات و تحلیل‌هایی که در این پژوهش ارائه شد، بنای موسوم به امامزاده محمدی دو دوره ساخت و مرمت را نشان می‌دهد. بنایی که امروزه شاهد آن هستیم، با توجه به سنگ قبری که از آن به دست آمده، بنایی آرامگاهی بوده است. این بنا از نظر فرم و ساختار معماری شامل یک چهارگوش گنبددار با درگاه ورودی به شکل ایوان است که

با گنبد علویان همدان، گنبد سرخ مراغه، بقعه پیر تاکستان (سلجوقی)، بخصوص بنای میر زبیر سیرجان (آل مظفر) قابل مقایسه است؛ بنابراین، بنای امامزاده محمدی از نظر فرم و اجزای ساختاری با سبک معماری بناهای چهارگوش گنبددار ایران در قرون میانی اسلامی همسانی دارد. دیگر یافته‌های باستان‌شناسی شامل سنگ قبر و کاشی‌های لعاب آبی نیز که با سبک و سیاق دوره سلجوقی تشابه دارند، این نظر را تقویت می‌نمایند.

با تأمل بیشتر در این بنا، طرح بنای چهارتاقی به عنوان بنای اولیه تشخیص داده می‌شود. این ایده بیشتر براساس تحلیل‌هایی است که در حول اجزای کالبدی بنا صورت گرفته است. عدم چفت و بست پایه‌های گنبد و دیوارهای بیرونی بنا، عدم رؤیت کرسی و یا فنداسیون بنا، قرارگیری سنگ قبر بنای ثانویه بر روی نهشته‌های قدیمی، استواری بنا بدون دیوارهای بیرونی، این نظر را پشتیبانی می‌کند. طرح بازسازی شده چهارتاقی با بناهای چهارتاقی دوره ساسانی نیاسر، کنارصلاح، فراشبند، دره باغ، تنگ چک‌چک، علی‌آباد، ظهیرشیر (قطب‌آباد) و ده‌شیخ تشابه گونه‌شناختی نشان می‌دهد.

از سویی، در منابع جغرافیایی و تاریخ‌نگاری اسلامی از شهر باستانی الشتر و آتشکده اروخش یاد نموده‌اند. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش، بنای اولیه امامزاده محمدی می‌تواند آتشکده اروخش باشد. محل قرارگیری امامزاده محمدی در شمال دشت الشتر به عنوان یکی از بخش‌های پرتراکم این دشت از نظر تعداد محوطه‌های باستانی و تاریخی، بیشتر ما را به این نظر ترغیب می‌کند. بر این اساس، می‌توانیم امیدوار باشیم شهر باستانی الشتر در جایی پیرامون امامزاده محمدی باشد. بی‌شک بررسی‌ها و پژوهش‌های بیشتر حول این موضوع در این ناحیه می‌تواند پرده از این مسئله بردارد.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. آذری فر، رضا. (۱۳۸۸). *شناسایی و معرفی مناطق ویژه اکولوژیک شهرستان الشتر با تأکید بر اقلیم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جغرافیا. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.
۲. ابن حوقل. (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورت الارض)*. ترجمه و تصحیح جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: چاپخانه سپهر.
۳. ابوالقاسمی، لطیف. (۱۳۸۵). *هنجار شکل‌یابی معماری اسلامی ایران*. گردآورنده: محمد یوسف کیانی. تهران: سمت.

۴. ایهام پوپ، آرتور. (بی تا). **معماری ایران**. ترجمه کرامت الله افسر. تهران: انتشارات فرهنگسرا (یساولی).
۵. اصطخری، ابواسحاق. (۱۳۴۰). **مسالك و ممالک**. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۶. ایزدپناه، حمید. (۱۳۷۶). **آثار باستانی و تاریخی لرستان** (جلد ۳). چاپ سوم. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. پاتس، دنیل. تی. (۱۳۸۵). **باستان‌شناسی ایلام**. ترجمه زهرا بایستی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. پهلوان، کیوان. (۱۳۸۵). **رضا شاه «از الشتر تا الاشت» نیای لر رضاشاه**. چاپ چهارم. تهران: انتشارات آرون.
۹. ترکمان، اسکندریک. (۱۳۱۷). **عالم‌آرای عباسی**. به تصحیح سهیل خوانساری. تهران: چاپخانه اسلامیة.
۱۰. حموی، یاقوت. (۱۹۷۷). **معجم البلدان** (جلد اول). بیروت: دارصادر.
۱۱. حیدری، حجت الله. (۱۳۷۹). **ایل حسونند**. چاپ اول. خرم‌آباد: انتشارات افلاک.
۱۲. داوودی، داوود. (۱۳۸۵). **بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر** (دهستان‌های فیروزآباد، یوسفوند و قلعه مظفری). سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
۱۳. _____ (۱۳۸۶). **بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر** (دهستان دوآب). سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
۱۴. راوندی، محمد بن علی. (۱۳۸۵). **راحة الصدور و آية السرور: در تاریخ آل سلجوق**. به سعی و تصحیح محمد اقبال. تهران: اساطیر.
۱۵. شاخ، رابرت. (۱۳۸۲). **فرهنگ‌های تاریخی اولیه**. در باستان‌شناسی غرب ایران. گردآورنده فرانک هول. ترجمه زهرا بایستی. تهران: سمت.
۱۶. سجادی، علی. (۱۳۷۶). **بررسی و شناسایی آثار فرهنگی تاریخی شهرستان الشتر** (فصل اول). معاونت پژوهش‌های باستان‌شناسی میراث فرهنگی لرستان (منتشر نشده).
۱۷. ظل‌السلطان، مسعود میرزا. (۱۳۶۸). **خاطرات ظل السلطان** (سرگذشت مسعودی). به اهتمام و تصحیح حسین خدیو جم. جلد دوم. تهران: اساطیر.
۱۸. لوین، لوین. (۱۳۸۲). **عصر آهن** (در باستان‌شناسی غرب ایران). گردآورنده فرانک هول. ترجمه زهرا بایستی. تهران: سمت.

۱۹. محمدی فر، یعقوب و فرهاد امینی. (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی و هنر ساسانی*. تهران: شاپیکان.
۲۰. نیشابوری، ظهیرالدین. (۱۳۹۲). *سلجوق‌نامه ۵*. تصحیح میرزا اسماعیل افشار حمیدالملک و محمدرضا صاحب کلاله خاور. ناشر چاپی: اساطیر. اصفهان: مرکز رایانه‌ای قائمیه.
۲۱. واندنبرگ، لویی. (۱۳۷۹). *باستان‌شناسی ایران باستان*. ترجمه عیسی بهنام. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). *نزّهة القلوب*. چاپ اول. تهران: انتشارات دنیای کتاب.

ب. مقاله‌ها

۲۳. حیدری، مهدی؛ خلیل‌الله بیگ‌محمدی و دیگران. (۱۳۹۴). «طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال عصر مفرغ تپه گریران الشتر». *مجله: پژوهش‌های باستان‌شناسی*. دوره ۵. شماره ۱. بهار و تابستان. صص ۲۱-۳۸.
۲۴. کاظمی، یاغش. (۱۳۹۳). «آتشکده‌ها و آتشگاه‌های ایران». *دوفصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی*. دوره جدید. سال دوم. ویژه‌نامه نخست. زمستان. صص ۴۳-۱۰۲.
۲۵. محمدی، مریم و دیگران. (۱۳۹۰). «مطالعه گونه‌شناسی، عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی». *مجله نامه باستان‌شناسی*. شماره ۱. دوره اول. پاییز و زمستان. صص ۸۳-۱۰۴.

ج. منابع لاتین

26. Goff, Clare.L. (1971). *Luristan before the Iron Age*. IRAN. Vol.9. P.P. 131-152.
27. Stine, S.O. (1940). *Old routs in western Iran*. New York. Green Wood Press.

